

گفت‌وگو با شیخ نعیم قاسم قائم مقام دبیر کل حزب الله

تاسیس موسسات فرهنگی

رمز موفقیت حزب الله

حجت‌الاسلام والمسلمین نعیم قاسم بیش از دو دهه است که در جایگاه قائم مقام دبیر کل حزب الله مشغول به فعالیت است و تجربه حضور در کنار دبیر کل فقید، شهید سید عباس موسوی و همراهی سید حسن نصر الله را دارد. همین‌ها ایشان را به صاحب‌نظری خیره‌در خصوص مسائل منطقه، جبهه مقاومت اسلامی و به خصوص حزب الله بدل ساخته که همواره در کانون توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار داشته است. به خصوص در سال‌های اخیر و محدودیت‌هایی که برای حضور علنی سید حسن نصر الله به وجود آمده نقش ایشان در گفت‌وگو با رسانه‌ها، حضور در مجامع عمومی و دیدار با مسوولان داخلی و خارجی پررنگ‌تر شده است. گفت‌وگوی اختصاصی «همشهری دیپلماتیک» با ایشان درباره جایگاه شیعیان در لبنان، اهمیت فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در حزب الله و... را در ادامه می‌خوانید.

محمد مهدی رحیمی

در نهایت باعث شد که شیعه به عنوان طایفه‌ای موثر و اساسی در جامعه ظهور کند. به ویژه که از نظر جمعیت، شیعیان یک سوم ساکنان لبنان را تشکیل می‌دهند همانند اهل تسنن که آنها هم همین میزان هستند. بنابراین تراکم جمعیت از سویی و حضور سیاسی و جهادی در مقابله با صهیونیست‌ها از سوی دیگر و نیز همکاری موثری که بین حزب الله و نیروهای سیاسی مختلف در چارچوب رسمی کشور وجود دارد در کنار هم پیمانی حزب الله و حرکت امل همگی عواملی هستند که نقشی اساسی در ظهور شیعه به شکل مهم در لبنان دارند و الحمدلله پیروزی‌های مهم، جایگاه حزب الله و شیعه را برای لبنان نمایان‌تر کرد. پیروزی سال ۲۰۰۰ که در اثر آن صهیونیست‌ها پس از ۱۸ سال در مقابل ضربات پیاپی رزمندگان مقاومت بر نیروهای نظامی و عمال لبنانی خود، پا به فرار گذاشت و همین‌طور موفقیت بزرگی که در سال ۲۰۰۶ در سد کردن جنگ تموز محقق شد؛ نبردی جدی علیه لبنان بود که به برکت مجاهدین حزب الله و در کنار هم قرار گرفتن ملت، ارتش و مقاومت، منجر به شکست صهیونیست‌ها شد.

■ **حزب الله و به تبع آن شیعیان امروز چه منزلت و جایگاهی در جامعه لبنان دارند؟ پیش از این وضعیت چگونه بود؟**

تا قبل از جنگ داخلی در لبنان و نیز تا قبل از تجاوز صهیونیست‌ها به این کشور در سال ۱۹۸۲ برای شیعیان نقش اساسی در لبنان وجود نداشت و ترکیب جامعه بر دو گانه مارونی - سنی استوار بود. شیعیان نه تنها در مراکز مهم کشور نفوذ نداشتند که حتی در مسائل و مباحث سیاسی هم زمینه کافی برای فعالیت شیعه فراهم نبود. اما با حرکت امام صدر در زمان تحولات و اتفاقات لبنان در سال ۱۹۷۵ و بعد از آن با درخشش حزب الله در مواجهه با اشغالگری صهیونیست‌ها، حقیقت شیعه به همگان نشان داده شد؛ حزب الهی که با اطاعت و سرسپردگی به امام خمینی (ره) در مسیر اسلام ناب محمدی حرکت کرد و با عمل به تعالیم نبی (ص) و اهل بیت (ع) رشد کرد و اکنون از آیت الله خامنه‌ای تبعیت می‌کند. به خصوص که حزب الله در درگیری‌های داخلی لبنان با تفاهم در کنار حرکت امل قرار گرفت و همه اینها





شیخ نعیم قاسم معتقد است: «حزب الله حزبی اسلامی است و می خواهد مردم را به اسلام دعوت کرده و احکام دینی را به آنها آموزش دهد.»

لبنان، رژیم صهیونیستی مدام برای ایجاد شکاف بین مردم و حزب الله تلاش می کرد. از طریق پخش اطلاعاتی یا راه اندازی ایستگاه های رادیویی که مردم را تهدید می کردند که اگر از عناصر حزب الله حمایت کنید یا خودداری کنید، از حمله ما در امان خواهید بود. اما مردم به تهدیدات آنها توجهی نداشتند که این امر در ناکام سازی دشمن موثر بود و در همان حال باعث انسجام ملی حقیقی شد. هنگامی که تراکم این حمایت ها را در نظر می گیریم باید سهمی مستقیم در پیروزی برای آن قائل شویم.

■ به موسسات فرهنگی و خدماتی حزب الله اشاره داشتید، امور فرهنگی و اجتماعی چه جایگاهی در حزب الله دارد؟

حزب الله حزبی اسلامی است و می خواهد مردم را به اسلام دعوت کرده و احکام دینی را به آنها آموزش دهد. از آنجا که خداوند متعال می فرماید: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا و بشر المومنین بان لهم من الله فضلا کبیرا و لا تطع الکافرین و المنافقین و دع اذاهم و توکل علی الله و کفی بالله و کیلا.» بنابراین بر ما به عنوان مسلمان و دعوت کننده به سوی خدا واجب است که دستورات الهی را ابلاغ و ترویج کنیم. بنابراین ما همایش ها، سخنرانی ها، دوره های فرهنگی و دیدارهایی را در مساجد، حسینیه ها و مراکز فرهنگی برگزار می کنیم. این در زمینه فرهنگ اسلامی و ملی است که جایگاه اساسی در حزب و نیز در خارج از آن دارد. همین طور به فعالیت های فرهنگی دیگری اهتمام داریم که برای مخاطب عام است در مدارس، مراکز فرهنگی و کتابخانه ها. این فعالیت ها بسیار گسترده بوده و در سراسر لبنان برقرار است. همچنین حزب الله فعالیت های اجتماعی جدی در بیمارستان ها و در مانگاه ها دارد. جهاد سازندگی را داریم که به امور زراعی و عمرانی برای مردم در شهرها و روستاها اهتمام دارد، مردم را در اصلاح نباتات و تامین وسایل کشاورزی کمک می کند و در پرورش زنبور عسل فعالیت دارد. حزب الله اهتمام زیادی به کمک به فقرا و مستضعفان و خانواده شهدا و جانبازان دارد. همه این فعالیت های اجتماعی نمونه ای از فعالیت های انسانی و اخلاقی است که اسلام ما را به آنها امر کرده، همان گونه که پیامبر (ص) فرمودند: «الخلق کلهم عیال الله و احبهم الی الله انفعهم لعیاله.» بنابراین ما در این زمینه ها به عنوان یک تکلیف شرعی فعالیت داریم.

■ در حال حاضر غیر از فعالیت های فرهنگی و اجتماعی که گفتید، حزب الله در چه حوزه های دیگری به فعالیت مشغول است؟

■ حمایت های مردمی چه تأثیری در پیروزی ارزشمند مقاومت اسلامی در سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ داشت؟

حزب الله از ابتدای شروع فعالیتش علاقه مند به جذب حمایت های مردمی بود. واقع حزب الله نیروی نظامی جدا از مردم نبود بلکه در حقیقت یک حرکت جهادی همراه با مردم برای مصالح آنان و برای آزادسازی سرزمینی که مستحقش بودند، بود و در ادامه تلاش آن برای قدردانی از مردم بوده که در قالب تشکیل موسسات فرهنگی و اجتماعی و پاسخ به مطالبات و احتیاجات آنان خود را عیان می سازد. حزب الله در غم ها و شادی هایشان در کنار آنها قرار داشته و دارد. اکنون ما می توانیم ببینیم چگونه حمایت های مردمی در فعالیت های بزرگ حزب الله پشتیبان آن است و همواره جوانان این نسل نورانی، حامی و کمک رسان آن بوده اند. ما می توانیم بگوییم پیروزی سال ۲۰۰۰ و سال ۲۰۰۶ مدیون حمایت و همراهی ملت لبنان است. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۰ که نخستین شکست رژیم صهیونیستی رقم خورد، تظاهرات کوچکی در جنوب لبنان در روستای غندوریه صورت گرفت که پس از آن هم از روستایی به روستای دیگر تسری یافت.

■ این تظاهرات با چه هدفی صورت گرفت؟

عمال و نیروهای وطن فروش لبنانی که در خدمت صهیونیست ها قرار داشتند، سدی مستقیم در مقابل حزب الله برای مواجهه با صهیونیست ها بودند و تظاهرات مردم روستایی برای مقابله با این عمال و پاکسازی مراکز آنها بود. البته در این زمان صهیونیست ها از برخی مناطق فرار کرده بودند اما عمال و مراکزشان هنوز دایر بود. طبیعی است که این پاکسازی با پشتیبانی حزب الله صورت گرفت اما حضور مردم به لطف خدا تأثیری بزرگ داشت و همین طور در سال ۲۰۰۶ حدود یک میلیون نفر از مناطق مختلف در جنوب، بقاع، ضاحیه و دیگر اماکن بمباران شده توسط صهیونیست ها، مهاجرت کردند و به اماکن دیگر رفتند. آنها هنگامی که با خبرنگاران نشریات و رسانه هایی مواجه می شدند که برای گرفتن مصاحبه علیه حزب الله به مدارس، اماکن عمومی و اردوگاه های محل تجمع مهاجرین می آمدند، پاسخ هایشان دائما این بود که ما فدایی حزب الله هستیم یا فدایی دبیرکل آن سیدحسن نصرالله (حفظه الله)، ما فدایی مقاومتیم. همین همراهی مردمی تأثیر بزرگی در روحیه بخشی به مقاومت و عقب راندن دشمن داشت.

■ آیا صهیونیست ها تلاشی برای از بین بردن این حمایت ها داشته اند؟

بله، ما ملاحظه می کردیم که در سال های اشغال

■ فلسفه تأسیس این گونه موسسات فرهنگی، خدماتی و آموزشی زیرمجموعه حزب الله چیست؟

ما معتقدیم که حزب الله قادر نبود به این خوبی در جامعه لبنان جا باز کرده و فعالیت کند اگر چنین افق بلندی را که شامل موسسات و کارهای مختلف است، ترسیم نمی کرد و به آن عمل نمی کرد. به تعبیر دیگر، اگر روابط ما با مردم در چارچوب عاطفی و فقط در برخی مناسبت ها و مواقع خاص باقی می ماند، این تعاملات به مرور زمان کم رنگ شده و از بین می رفت. پس ما تلاش کردیم به این روابط و تعاملات در قالب موسسات نظم بدهیم و تجربه هایمان را انباشته کنیم و انشاء الله نسل های بعدی از آنها استفاده کرده و آن را ادامه خواهند داد. پرواضح است که ما در حزب الله مانند یک موسسه عمل می کنیم نه یک حزب شخصی یا مبتنی بر افراد. حزب الله یک حزب تکامل یافته از قاعده تا رأس هرم است. یک موسسه به تمام معنی که فعالیت های مختلفی دارد و قادر به انجام اعمال گوناگون است. موسسات فرهنگی ما هر روز رشد و پیشرفت دارند. همین طور موسسات تربیتی مان که امروز می درخشند و دانش آموزانشان در رتبه اول در لبنان قرار دارند و با همه موسسات تربیتی لبنان در حوزه های مختلف رقابت دارند. این موسسات امروز بنای باشکوهی هستند که مدام رشد می کنند و توسعه می یابند و آینده ما را تضمین می کنند و با برنامه ریزی صحیح استمرار خط اصیل اسلامی را پی خواهند گرفت. ■■■

علاوه بر آنچه عرض کردم، ما در زمینه های علمی هم ورود داریم. به عنوان مثال بودجه ای را برای تربیت دانشجو در رشته هایی که برای جامعه ضروری هستند، در نظر گرفته ایم. سلسله جلساتی را برای معلمان، مهندسان، پزشکان حتی داروسازها و دیگر مشاغل برگزار می کنیم و در آنها مباحث مختلفی را طرح می کنیم. این افراد حضور در جلسات ما را یکی از طرق خدمت رسانی می دانند و ما هم از این راه با اقشار مختلف جامعه ارتباط برقرار کرده ایم. اهتمام حزب الله به امور سیاسی هم که بر هیچ کس مخفی نیست. حزب الله به واسطه منطق، شیوه و فرهنگ سیاسی گسترده ای که دارد از درخشان ترین فعالان سیاسی در لبنان است و جوانان زیادی در آن تمرین و رشد می کنند. من می توانم بگویم مردم به واسطه فعالیت های سیاسی صادقانه حزب الله به بصیرت در فهم مسائل و تشخیص نقشه های طرح ریزی شده دست یافته اند.

■ فعالیت های خاص دیگری هم برای جوانان دارید؟

بله، از امور مورد توجه ما فعالیت های ورزشی، تربیتی و پیشاهنگی است و در این زمینه ما برنامه های وسیعی داریم که با استقبال زیادی مواجه هستند؛ مثلاً گروه پیشاهنگی «کشافه المهدی (ع)» بیش از ۶۰ هزار عضو دارد که در مدارس، دانشگاه ها و به خصوص مساجد در حوزه های گوناگون فعالیت دارند.



گفت و گو با دکتر طلال عترسی، مدیر مرکز مطالعات سیاسی دانشگاه لبنان

سرمایه اجتماعی حزب الله

سید رضا قزوینی غرابی | طلال عترسی، مدیر مرکز منطقه‌ای و مطالعات سیاسی و اجتماعی دانشگاه لبنان است. وی یک متخصص روان‌شناسی اجتماعی است اما به عنوان تحلیلگری برجسته در زمینه سیاست داخلی لبنان و مسائل منطقه‌ای جهان عرب و غرب آسیا شناخته می‌شود. عترسی بارها از جمله اوایل تابستان جاری به تهران سفر کرده و از چهره‌های علمی نزدیک به ایران و حزب الله به شمار می‌رود. پاسخ‌های وی به پرسش‌هایی که در محافل پژوهشی و رسانه‌ای مطرح می‌شود، اغلب مختصر اما دقیق است. در گفت‌وگوی تلفنی ما با این استاد علوم اجتماعی دانشگاه بیروت در زمینه سرمایه اجتماعی حزب الله نیز همین ویژگی مشهود است.

از دیدگاه شما سخن گفتن از سرمایه اجتماعی حزب الله تا چه اندازه درست و دقیق است؟
مقصود از سرمایه اجتماعی یا نیروهای مختلف اجتماعی حزب الله یا هر گروه سیاسی یا جنبش دیگر، تکیه بر ملت در تمامی برنامه‌ها و اقدامات است؛ سرمایه‌ای که حامی و پشتیبان اصلی مقاومت یا هر حزب سیاسی دیگر به شمار می‌رود. در واقع اگر حزب الله این سرمایه اجتماعی قدرتمند را در اختیار نداشت، نمی‌توانست در مواجهه با چالش‌ها یا مشکلاتی که گریبانگیر آن بود - مانند جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ - به شکل مستمر به مقاومت خود ادامه دهد. به تعبیری دیگر، چنانچه حزب الله از بعد اجتماعی چنین سرمایه هنگفتی را نمی‌داشت و مردم چنین هواداری‌ای که درونمایه این سرمایه اجتماعی است از آن نمی‌کردند، شاید نمی‌توانست تمام مدت طولانی جنگ، مقاومت و پایداری کند و مردم نیز با وجود اوضاع سخت و طاقت‌فرسا همچون

طلال عترسی معتقد است سرمایه اجتماعی که حزب الله در اختیار دارد، به صورت تدریجی شکل گرفته است؛ در آغاز شکل‌گیری مقاومت، فعالیت حزب الله کاملاً سری بود و مردم این حزب، رهبران و کادرهای آن را نمی‌شناختند.

قتل و آوارگی و نابودی خانه‌های خود در کنار آن بایستند. این همان سرمایه اجتماعی حقیقی است که حزب الله از بدو تأسیس خود تاکنون کم و بیش آن را در اختیار داشته است.

■ زمینه‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی حزب الله را چگونه می‌بینید و وسعت و دامنه آن را به چه اندازه‌ای ارزیابی می‌کنید؟

معتقدم این سرمایه اجتماعی که حزب الله در اختیار دارد، به صورت تدریجی شکل گرفته است؛ یعنی حزب الله از آغازین روزهای تأسیس خود این سرمایه اجتماعی را در اختیار نداشته است. در آغاز شکل‌گیری مقاومت، فعالیت حزب الله کاملاً سری بود و مردم، این حزب، رهبران و کادرهای آن را نمی‌شناختند. آنچه گفتم مربوط به سال‌های آغازین دهه ۱۹۸۰ یعنی پس از آغاز یورش رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال کشور بود. اما حزب الله در این مرحله دست به دو اقدام زد؛ اقدام نخست ورود مستقیم به فاز مقاومت با تلاش برای سری نگه داشتن تشکیلات خود بود. از این نقطه بود که سرمایه اجتماعی حزب الله شروع به شکل‌گیری کرد و هواداری و همبستگی با آن آغاز شد. اما اقدام دوم حزب الله خدمت‌رسانی مستقیم به مردم برای مواجهه با بحران‌های اقتصادی یا محیطی بود مانند یخبندان شدیدی که در برخی مناطق بقاع اتفاق افتاد و حزب الله پیش از آنکه دستگاه‌ها و نهادهای رسمی اقدام به کمک‌رسانی به مردم کنند، خود دست به کار شد. بنابراین اندک‌اندک سرمایه اجتماعی حزب الله به موازات پیروزی‌هایی که در نبرد علیه اشغالگران صهیونیست محقق ساخت، شروع به شکل‌گیری کرد. لبنانی‌ها و به‌طور خاص اهالی جنوب تاکنون با چنین شکلی از مقاومت سری اما متواضع و مردمی که پیروزی‌های چشمگیری را رقم زده بود، مواجه نشده بودند. به اعتقاد من، این موضوع به مرور زمان منجر به افزایش تدریجی سرمایه اجتماعی حزب الله و تبدیل آن به یک نیروی قدرتمند پشتیبان حزب الله شد و در کنار آن قرار گرفت.

■ آقای دکتر عترسی حزب الله چه اقداماتی برای محافظت از این سرمایه اجتماعی و تقویت آن انجام داده است؟

در واقع مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات برای این مهم در نظر گرفته شده است. اساس و اصل همه اینها استمرار فعالیت حزب الله به عنوان یک جنبش مقاومت است؛ به‌طور مثال چنانچه حزب الله از مقاومت سر باز بزند و از آن فاصله بگیرد، به اعتقاد من، این سرمایه اجتماعی بسیار ضعیف خواهد شد زیرا بر فرض چنین اتفاقی، حزب الله به گروه یا حزبی مانند دیگر احزاب سیاسی لبنانی بدل خواهد شد که بر سر جایگاه، مناصب، نفوذ، اختیارات و... با یکدیگر کشمکش دارند. سرمایه اجتماعی حزب الله به دلیل این مسائل یا به دلیل آنکه حزب الله یک حزب سیاسی است، پشتیبان و مؤید آن نیست بلکه برعکس، دلیل آن مقاومتی است که پیروزی‌های مهمی را رقم زده و به این دلیل آن را تأیید و حمایت می‌کند. بنابراین این سرمایه اجتماعی بزرگترین موفقیت حزب الله است و برای محافظت از آن به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا از آن عقب‌نشینی کرد. مساله دیگر اینکه حزب الله نیز به خوبی به این موضوع واقف است که مردمی که به گرد او جمع شده‌اند و جوهر و اساس این سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند، نیاز به توجه و اهتمام و خدمت‌رسانی دارند، از این‌رو یک نظام خدمت‌رسانی در

حوزه‌های اجتماعی، بهداشتی، آموزشی و تربیتی را پایه‌گذاری کرد که نقشی مهم در کمک‌رسانی به مردم و حمایت از این سرمایه اجتماعی ایفا کرد.

■ آیا شرایط یا اوضاعی وجود دارد که بتواند منجر به تضعیف یا تقویت این سرمایه برای حزب الله شود؟

در حقیقت تلاش‌های برنامه‌ریزی شده فراوانی از سوی دشمنان حزب الله و مقاومت اسلامی، برای تضعیف این سرمایه اجتماعی و کشاندن آن به خارج از گود حمایت از حزب الله و مقاومت وجود دارد. این تلاش‌ها خود را به شکل غرق کردن حزب الله در کشمکش‌ها و مشکلات داخلی و فتنه‌های مذهبی برای متوقف کردن مقاومت نشان می‌دهد و اتفاق اخیر یعنی درج حزب الله در فهرست گروه‌های تروریستی نیز تلاشی در همین راستا و برای ارباب مردم و فهماندن این نکته به آنان است که همراهی با مقاومت برای آنان هزینه‌بر خواهد بود. از سوی دیگر، تاکنون چیزی که این سرمایه اجتماعی متعلق به حزب الله را تهدید کند، دیده نشده اما چنانچه این اتفاق صورت پذیرفت؛ یعنی به‌طور مثال سیاست‌ها یا رفتارهای رهبران و شخصیت‌های تأثیرگذار حزب الله به شکلی غیر از آنچه اکنون هست و به روشی غیر از روش مقاومت و ایثارگری‌های آن و تواضع همیشگی آن تغییر یابد، می‌تواند این سرمایه اجتماعی را تهدید و مردم را از آن دور کند اما تاکنون چنین خطر یا تهدیدی را مشاهده نکرده‌ایم.

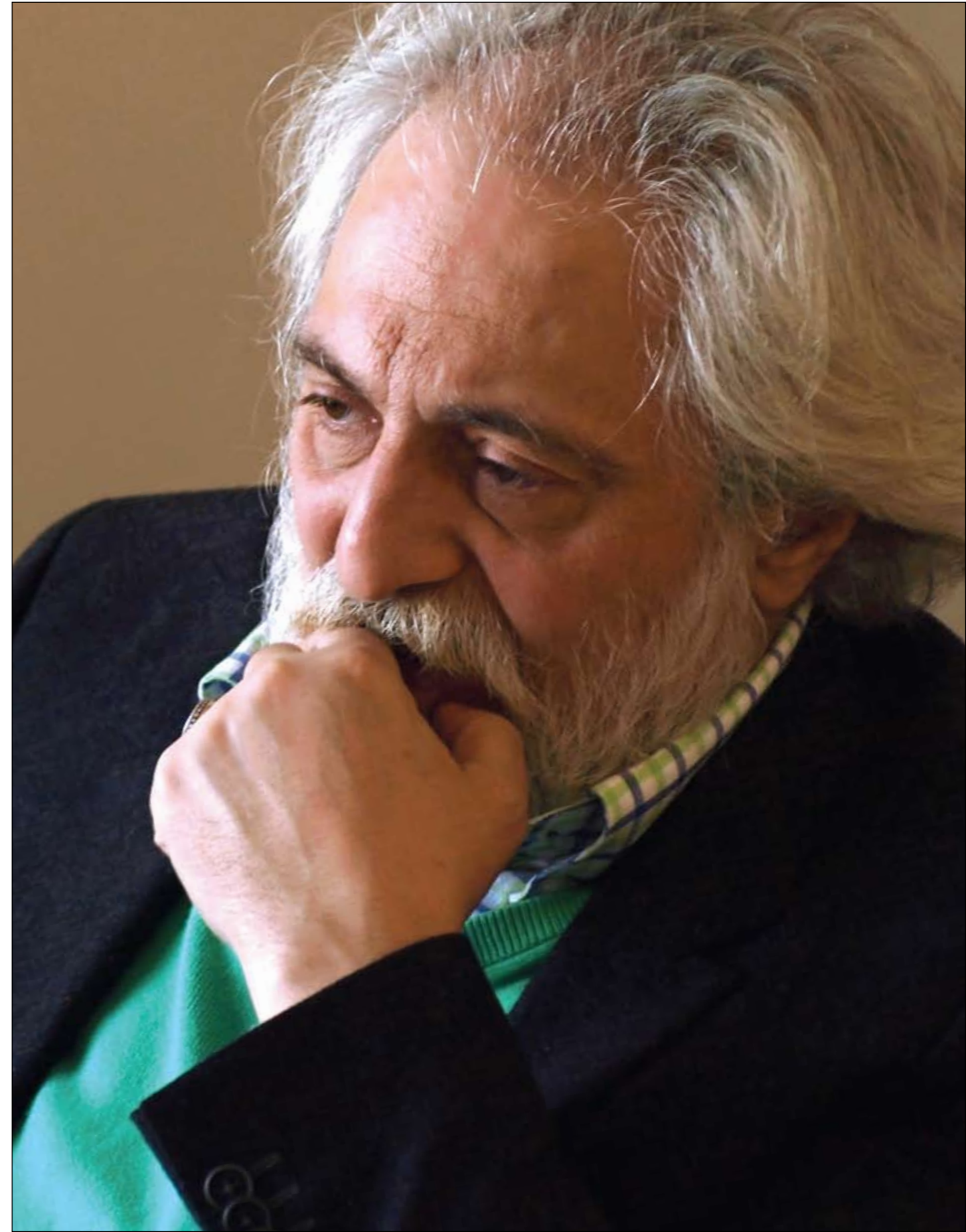
گروه‌های تروریستی نیز تلاشی در همین راستا و برای ارباب مردم و فهماندن این نکته به آنان است که همراهی با مقاومت برای آنان هزینه‌بر خواهد بود. از سوی دیگر، تاکنون چیزی که این سرمایه اجتماعی متعلق به حزب الله را تهدید کند، دیده نشده اما چنانچه این اتفاق صورت پذیرفت؛ یعنی به‌طور مثال سیاست‌ها یا رفتارهای رهبران و شخصیت‌های تأثیرگذار حزب الله به شکلی غیر از آنچه اکنون هست و به روشی غیر از روش مقاومت و ایثارگری‌های آن و تواضع همیشگی آن تغییر یابد، می‌تواند این سرمایه اجتماعی را تهدید و مردم را از آن دور کند اما تاکنون چنین خطر یا تهدیدی را مشاهده نکرده‌ایم.

■ به عنوان آخرین پرسش بفرمایید وضعیت تحقیقات یا مطالعات مربوط به حزب الله مانند همین موضوع مورد گفت‌وگو یا موضوع‌های مشابه آن در داخل لبنان چگونه است؟

به شکل کلی پژوهش‌هایی پیرامون فعالیت‌های اجتماعی یا سیاسی، آموزشی و بهداشتی حزب الله و مقاومت و حتی ارتباط آن با ایران انجام شده اما موضوع‌هایی مانند سرمایه اجتماعی یا موضوع‌های مشابه آن در حقیقت به شکل عمیقی مورد بررسی قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد پژوهشگران غربی که به لبنان سفر کرده‌اند، بیش از لبنانی‌ها به این موضوع توجه نشان داده‌اند. به‌ویژه آنکه آنان به دنبال فهم و درک این موضوع بوده‌اند که آیا حزب الله همچنان مورد تأیید و مقبولیت مردم هست یا خیر. این پرسش در اثنای جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ مطرح شد. زمانی که مردم جنوب آواره شده بودند، غربی‌ها می‌خواستند بدانند چرا با وجود آوارگی این مردم که حزب الله و صهیونیست و رویارویی این دو سبب آن بوده، مردم همچنان از حزب الله حمایت و پشتیبانی می‌کنند. معتقدم غربی‌ها نسبت به لبنانی‌هایی که به ابعادی دیگر و کم‌عمق‌تر از این مسائل پرداخته‌اند، اهتمام بیشتری به این موضوع داشته‌اند. ■

مقصود از سرمایه اجتماعی حزب الله تکیه بر ملت در تمامی برنامه‌ها و اقدامات است؛ سرمایه‌ای که حامی و پشتیبان اصلی مقاومت یا هر حزب سیاسی دیگر به شمار می‌رود. در واقع اگر حزب الله این سرمایه اجتماعی قدرتمند را در اختیار نداشت، نمی‌توانست در مواجهه با چالش‌ها یا مشکلاتی که گریبانگیر آن بود - مانند جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ - به شکل مستمر به مقاومت خود ادامه دهد. به تعبیری دیگر، چنانچه حزب الله از بعد اجتماعی چنین سرمایه هنگفتی را نمی‌داشت و مردم چنین هواداری‌ای که درونمایه این سرمایه اجتماعی است از آن نمی‌کردند، شاید نمی‌توانست تمام مدت طولانی جنگ، مقاومت و پایداری کند و مردم نیز با وجود اوضاع سخت و طاقت‌فرسا همچون قتل و آوارگی و نابودی خانه‌های خود در کنار آن بایستند. این همان سرمایه اجتماعی حقیقی است که حزب الله از بدو تأسیس خود تاکنون کم و بیش آن را در اختیار داشته است.





میراث معنوی امام موسی صدر در گفت‌وگو با مهدی فیروزان

موفقیت نصر الله در ایجاد منظومه مقاومت

مهدی نوری گفت‌وگو با خواهرزاده و داماد امام صدر، در یکی از روزهای گرم تابستان در ساختمان زیبایی شهر کتاب انجام شد. در موعد ملاقات، ما در دفتر ساده مهندس مهدی فیروزان بودیم اما خودش نبود. خبر دادند که ایشان در دفتر رئیس جمهور منتخب جلسه‌ای دارند و با تأخیر می‌رسند. مهندس بالاخره آمد. سلام و علیکی کردیم و نشست. تلفن را قطع کرد و گفت: «من فقط به خاطر شما و امام موسی صدر آمدم. ببخشید از تأخیر، بفرمایید!» خوش‌ویش کردیم و بعد که آتش حرف‌ها گل انداخت، نیم‌ساعت بیش از قرار به درازا کشید. بعد هم که مصاحبه تمام شد، آقای فیروزان گفت: «من اینجا حرف‌هایی زدم که خودم هم از بیانش تعجب کردم! قرار نبود من بعضی چیزها را بگویم. اما گفتم. یک بار هم که شده باید اینها را جایی گفت.» این مصاحبه در آستانه نهم شهریور، سالروز بودن امام موسی صدر تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود.

اگر سنی لبنان بخواهد برای خودش پشت و یاور و حامی پیدا کند، طبیعتاً مصر یا عربستان را انتخاب می‌کند؛ جز اینها چاره‌ای ندارد. شیعه لبنان با تمام شیعیان دنیا هم‌پیمان است ولی کدام دولت می‌تواند حامی او باشد؟ دولت شیعه و طبیعتاً ایران. در هنگامه انقلاب اسلامی، بیشتر خدمات به نیروها و رجال انقلاب اسلامی ایران (که ملجا و پناهگاه می‌خواستند) را امل در اختیارشان گذاشت. قسمتی را هم فلسطینی‌ها در اختیار گذاشتند. بعد از پیروزی انقلاب، فلسطینی‌ها می‌خواستند بخش عظیمی از دستگاه سیاسی ما را تصاحب کنند و نتوانستند. فلسطینی که همان زمان تصمیم گرفته بود با رژیم صهیونیستی صلح کند. در استراتژی آن روز فلسطین، با سقوط شاه به‌عنوان یکی از هم‌پیمانان رژیم صهیونیستی، این خلأ را باید عرفات و جناح او پر می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که ایران تبدیل به یک دشمن برای خط سازش فلسطین نشود.

شما بین جنبش امل و حرکتی که امام موسی صدر شروع کرد و ادامه آن در لبنان، چه ارتباطی برقرار می‌کنید. آیا قائل هستید این جنبش ادامه حرکت امام (ع) است؟ حزب الله کجای این مسیر قرار دارد؟

امل فرزند امام موسی صدر بود و حزب الله هم فرزند امام موسی صدر است. شما نمی‌توانید بگویید این فرزند بهتری است یا آن. من می‌خواهم منطقی بگویم خارج از هیجانات سیاسی یا میزان علاقه هر یک از مسوولان ما به هر یک از اینها. مثلاً سید حسن نصر الله بارها اعلام کرده که من فرزند امام و شاگرد او هستم و امام مؤسس مقاومت است. امام موسی صدر مؤسس مقاومت در لبنان بود، استراتژی داشت و استراتژی‌اش موفق هم بوده است. اگر لبنان را بشناسید، متوجه می‌شوید ادیان در این کشور با هم پیوند جهانی دارند، مسیحیت لبنان با مسیحیت جهان هم‌پیمان است، شیعه لبنان با شیعه جهان هم‌پیمان است.

امل قبل از انقلاب آنچه در توان خود داشت در اختیار انقلاب گذاشت. طبیعتاً امام موسی صدر هم به‌عنوان یک رهبر خدمات بسیاری به انقلاب اسلامی کرده است. آن چنان که کتب و مقالات مختلفی در خدمات متقابل امام موسی صدر و انقلاب اسلامی وجود دارد.

اما بعد از انقلاب، امل به‌عنوان بخش مسلمان دنیای عرب عملاً از ایران حمایت می‌کند و حتی در جنگ با ما همراهی می‌کند. اما چه اختلافی بین امل و حزب‌الله وجود دارد و کدام یک امام موسی صدر است؟ بنده به جای جواب به این سوال از شما می‌پرسم که از میان جامعه روحانیت و جامعه روحانیون در ایران کدام یک نماینده واقعی و فرزند امام خمینی^(ع) است؟

هر دو معتقد به رهبری امام خمینی^(ع) هستند، هر دو هم معتقدند که ما تجلی راستین توسعه فکری امام خمینی^(ع) هستیم.

ما به دلیل اینکه همیشه تجزیه‌گر هستیم و ناخودآگاه در ذهن خود «یا همه یا هیچ» هستیم و (دوستی‌ها و دشمنی‌های ما بر اساس همه یا هیچ است) با خیلی‌ها دشمنی داریم یا نقد منفی می‌کنیم در حالی که تنها ۱۰ درصد با هم مخالفت داریم، نه صددرصد! همین اتفاق در لبنان افتاده است؛ همان‌گونه که در ایران بین روحانیون مبارز و روحانیت مبارز که به اعتقاد من هر دو فرزند امام هستند و هر دو شمه‌ای از امام^(ع) را نشان می‌دهند، اختلاف هست. رجال بزرگ تاریخ و جوه مختلفی دارند که در ظرفیت پیروانشان نمی‌گنجد و بخشی از پیروان بخشی از این ابعاد را انتخاب می‌کنند و بخش دیگر ابعاد دیگر را ولی هر دو اینها در بعضی از ابعاد مشترک هستند.

اما در مورد لبنان یک اتفاقی می‌افتد که با روحانیت مبارز و روحانیون مبارز ما فرق می‌کند. در تلطیف روحانیت یا روحانیون مبارز در ایران کشور خارجی دخالت ندارد. اما در لبنان، ایران دخالت می‌کند؛ جناحی در ایران

که اصلاً نمی‌خواهم بگویم تندرو یا کندرو هستند اما بالاخره تعریف خاصی از گسترش انقلاب اسلامی دارند و نمی‌خواهند یا نمی‌توانند با جنبش املی که نگاهش به حوادث جهانی لبنانی و اسلامی است، سر این چیزها به توافق برسند ولی با حزب‌الله می‌توانند به توافق برسند. طبیعتاً این رویکرد بخشی‌نگری در ایران در حمایت از حزب‌الله باعث تبلیغات و امکانات بیشتر برای حزب‌الله و انزوای امل می‌شود. یک دوره‌ای ما احساس می‌کنیم امل بچه‌بد است و حزب‌الله بچه‌خوب است.

در صورتی که پس از مدتی ایران از جنگ با عراق می‌گذرد و استقرار پیدا می‌کند و این سیاست را تامین می‌کند. امروز امل و حزب‌الله در نگاه رهبری ایران، دو فرزند خوب و با ظرفیت هستند و هیچ تفاوتی با هم ندارند. رهبری نگاه پدرانه و با محبت نسبت به هر دو دارند.

لبنانی که امام موسی صدر راه می‌اندازد، لبنان یک رهبر انقلابی است که در چارچوب یک دولت کار می‌کند. یادمان

باشد که طایفه شیعه در درون خودش یک دولت است و برای خودش مجلس و قانونگذاری و حتی محضرهای عقد و طلاق جداگانه دارد. پس طبیعتاً مانند دولت کار می‌کند. عملکرد طایفه شیعه مثل یک دولت و ملت است، منتها ملتی که در درون کنفدراسیون قرار دارد و رهبر آن مثل یک رهبر دولت است که مناسباتش در جهان مناسبات یک رهبر دولت است نه یک رهبر انقلاب؛ یعنی اگر امام موسی صدر در لبنان، امل یا حرکت محرومان را ایجاد می‌کند، دقیقاً مثل یک کشور است که برای دفاع از خودش به ارتش نیاز دارد. چرا امام موسی صدر با رهبران منطقه که بعضی از آنها از نظر ما مزدورند - مثلاً شاه ایران و ملک حسین اردن - ارتباط داشته‌اند و او در مقام یک رئیس دولت با اینها مذاکره می‌کند. در حالی که در مقابله با رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک رهبر انقلابی ایستادگی می‌کند

فیروزان معتقد است گروهی که امروز رهبری حزب‌الله را بر عهده دارند یا شاگردان مستقیم امام^(ع) هستند یا بچه‌هایی هستند که از امل بیرون آمدند و آنجا را تأسیس کردند

■ به نظر می‌رسد برای فهم بهتر این دو جریان لازم است که شرایط لبنان را بهتر بشناسیم. بسیاری از اشتباهات از مقایسه وضعیت درونی کشور ما با دیگر کشورها به وجود می‌آید. در حالی که شرایط و نتایج به کلی متفاوت از یکدیگر است.

در حوادث لبنان چند عامل دخیل هستند؛ یکی اینکه به دلیل طوایفی بودن این جامعه هر طایفه‌ای باید پشتش به یکی از دولت‌های خارجی گرم باشد. البته معنای این اصلاً وابستگی و مزدوری نیست. اگر امروز حزب‌الله به ایران پشت گرم است، اصلاً به معنای این نیست که مزدور ایران است. اگر ساختار تاریخی و هویتی لبنان را بشناسید، می‌بینید همه این طوایف در عین حالی که با پیروان ادیان در همه دنیا هم‌پیمان هستند و انترناسیونالیسم دینی دارند اما بالاخره پشت‌شان به کشوری گرم است. اما رابطه شما با پدر بزرگان رابطه مزدوری نیست، رابطه هم‌خونی است. طوایف سنی هم اگر با سعودی هم‌پیمان هستند، مزدور آنها نیستند. سعودی‌ها پدر بزرگ سنی‌ها هستند. مسیحی‌ها با فرانسوی‌ها یا با یک قدرت دیگر در اروپا اگر هم‌پیمان هستند، اصلاً معنایش مزدوری نیست. ما باید در حوادث لبنان این را بفهمیم.

دیگر اینکه لبنانی که امام موسی صدر راه می‌اندازد، لبنان یک رهبر انقلابی است که در چارچوب یک دولت کار می‌کند. یادمان باشد که طایفه شیعه در درون خودش یک دولت است و برای خودش مجلس و قانونگذاری و حتی محضرهای عقد و طلاق جداگانه دارد. پس طبیعتاً مانند دولت کار می‌کند. عملکرد طایفه شیعه مثل یک دولت و ملت است، منتها ملتی که در درون کنفدراسیون قرار دارد و رهبر آن مثل یک رهبر دولت است که مناسباتش در جهان مناسبات یک رهبر دولت است نه یک رهبر انقلاب؛ یعنی اگر امام موسی صدر در لبنان، امل یا حرکت محرومان را ایجاد می‌کند، دقیقاً مثل یک کشور است که برای دفاع از خودش به ارتش نیاز دارد. چرا امام موسی صدر با رهبران منطقه که بعضی از آنها از نظر ما مزدورند - مثلاً شاه ایران و ملک حسین اردن - ارتباط داشته‌اند؟ او در مقام یک رئیس دولت با اینها مذاکره می‌کند. در حالی که در مقابله با رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک رهبر انقلابی ایستادگی می‌کند.

■ و در همین جاموضوع دو گانه امل - حزب‌الله چگونه است؟

نگاه من به حزب‌الله و امل، دو فرزند با ظرفیت و شایسته برای تمامیت اسلام است. در زمان امام^(ع) است که امل به دنیا می‌آید و تأسیس می‌شود و روح امام موسی صدر در آن است. حزب‌الله با بخشی از نیروهای امام موسی صدر تشکیل شد اما بیشتر با کسانی تأسیس شد که قسمت اعظمشان مخالفان امام موسی صدر بودند و با حمایت ایران آن زمان، کسانی که به هر دلیلی نتوانسته بودند گرد امام موسی صدر جمع شوند، اینها آهسته‌آهسته خودشان را تصفیه و مخالفان را حذف کردند. ایران هم عارف و عالم به این تحولات درون حزب‌الله بود و جلوگیری نکرد زیرا تزکیه درون حزبی و تهذیب نفس حزب‌الله را درست می‌دید و امل در این دوره منزوی شد.

به هر حال گروهی که امروز رهبری حزب‌الله را بر عهده دارند، یا شاگردان مستقیم امام^(ع) هستند یا بچه‌هایی هستند که از امل بیرون آمدند و آنجا را تأسیس کردند. حزب‌الله و امل امروز برادرند اما با دو رویکرد، یک ملت به دلیل

اینکه با دنیا تماس دارد، چهره‌های مختلفی را انتخاب می‌کند برای اینکه در مقابل یک زبان یا یک زبان مناسب باید صحبت کند. اگر نگاهمان به لبنان را تنگ نکنیم، می‌توانیم با این رویکرد به حوادث لبنان نگاه کنیم.

■ آیا شما حزب‌الله امروز یعنی حزب‌الله ۲۰۱۳ را در زمینه فرهنگی وامدار امام موسی صدر می‌دانید؟

بله، اصلاً نباید در این قضیه نظر بدهم. آنها خودشان را وامدار می‌دانند. سیدحسن نصرالله برای رهبری حزب‌الله قطعاً آدم شایسته‌ای است. او خودش می‌گوید: «من شاگرد امام هستیم.» خودش می‌گوید استراتژی مقاومت، استراتژی امام موسی صدر است. مؤسس مقاومت امام موسی صدر است. خودش در سخنرانی‌ای که برای آزادی اسرای لبنان ایراد کرد، گفت امام مقاومت، پدر مقاومت را آزاد کنید.

یکی از دوستان ما و نزدیکان سیدحسن می‌گوید بعد از شهادت سیدعباس به دست صهیونیست‌ها، وقتی سیدحسن وارد یک ساختار جدید برای شکل دادن به جریان خود شد، به من گفت: «هر چه نوار و کتاب از امام موسی صدر دارید جمع کنید. می‌خواهم بخوانم.» می‌گفت ما یک چمدان درست کردیم و در اختیار سیدحسن گذاشتیم و سید به مطالعه آنها پرداخت.

باید چیزی در ذهنمان باشد ما با جغرافیای ایران نمی‌توانیم عملکرد سید را تحلیل کنیم. باید در جغرافیای لبنان باشیم و عملکرد او را ببینیم. در قیاس با دیگر رهبران هم عصر او، این بی‌انصافی است که ما با شناختی که از قم و یک مرجعیت شایسته قم داریم، سید یا یک مرجعی را در لبنان ببینیم و تفاوت‌های



اینهارا به‌عنوان ضعف این یا آن ببینیم، نه این غلط است. جامعه‌شناسی بیروت و جامعه‌شناسی لبنان یک چیز است و جامعه‌شناسی قم و ایران یک چیز دیگر. مقتضیات و ملزومات قم یک چیز است، مقتضیات و ملزومات لبنان چیز دیگری است. این بی‌انصافی و تنگ‌نظری است که ما بخواهیم با یک معیار همه روحانیون شیعه دنیا را ارزیابی کنیم.

■ بعضی از صاحب‌نظران تفاوت‌های عمده‌ای در رویکرد کلان و راهبردی بین حرکت حزب‌الله و امام موسی صدر قائلند. از دید آنها اولی مبتنی بر مقاومت و جهاد پیش می‌رود و دومی حرکتی است منزوی که مبتنی بر تعامل و تنش‌زدایی است. این تحلیل را در رویکردهای فرهنگی و رویکردهای سیاسی‌شان قبول دارید؟

اولاً انزوایی که گفتم برای اکنون امل نیست، برای دوره‌ای است که ایران، حزب‌الله را تغذیه فکری و مالی می‌کرد؛ یعنی در سال‌های آغاز تأسیس حزب‌الله. اکنون امل منزوی نیست.

ثانیاً آیا می‌توانیم بگویم سپاه و وزارت خارجه ایران، یکی‌شان مبتنی است بر مقاومت و دیگری مبتنی است بر صلح؟ البته که نه چون یکی مذاکره می‌کند و یکی می‌جنگند. جمعیت شیعه لبنان را یک دولت فرض کنید که یک بازوی دیپلماسی سیاسی دارد که باید به مدد یک ساختار مقاومتی تقویت شود تا بتواند در مذاکره پیروز شود. سیدحسن بارها این را چه خصوصی و چه علنی اعلام کرده که در همان جنگ‌های ۳۳ روزه که با رژیم صهیونیستی داشته، گفته هر چه مذاکره دارید با نبییه بری بکنید، هر جا هر توافقی بکنید من هم موافقم.

نبیه بری گفت هر کاری سید در جنگ می‌کند، همان مورد نظر ماست. اینها به بلوغ رسیده‌اند و نقششان را در جامعه لبنان تقسیم کرده‌اند. ما هم در ایران واقعا باید این را بفهمیم. نبیه بری از ابتدای ساختار سیاسی جدید در لبنان مطرح بوده است. او به‌عنوان رئیس مجلس، ارتباطات و شبکه‌هایی دارد و رهبر یک گروه نظامی مثل امل است.

امروز شیعیان لبنان به درجه‌ای از بلوغ رسیده‌اند که همدیگر را تخریب نکنند بلکه هم‌افزایی داشته باشند و این خیلی خوب است. متأسفانه گاهی برخی از ما در داخل هنوز این را درک نمی‌کنیم که باید هم مذاکره کننده داشته باشیم و هم جنگنده، جایی باید امتیاز بدهیم و جایی باید امتیاز بگیریم و این یک بسته است. به نظر من، امروز شیعه لبنان به بلوغی رسیده که تصمیم گرفته به کسی که در حوزه سیاست فعال بوده و ارتباطات خوبی دارد، به عنوان ستون مذاکره نگاه کند و تدوین قانون و حتی امتیاز دادن و امتیاز گرفتن را در چارچوب‌هایی به او بسپارد. مبارزه و مقاومت را هم به یکی بسپارد.

در ابتدا که مقاومت لبنان تشکیل شد، مقاومت لبنانی بود. در استراتژی امام موسی صدر هم امل بود و هم حزب‌الله. اتفاقا در آغاز مقاومت میزان شهدای امل بیشتر از شهدای حزب‌الله بود. آهسته‌آهسته حمایت ایران از حزب‌الله، آن را قوی کرد؛ هم از نظر لجستیک و سیاسی و هم از نظر اعتقادی و مالی. در انزوا قرار گرفتن امل باعث شد امکاناتی در اختیار آن قرار نگیرد و نتواند آن‌طور که حزب‌الله اعضای خود را پرورش می‌دهد، پرورش یابد. طبیعتا آهسته‌آهسته مشارکت امل در مقاومت هم کمتر شد ولی امل هنوز هم در عرصه مقاومت مشارکت دارد. با بررسی تعداد شهدا در همان جنگ ۳۳ روزه، می‌بینید که امل حضور جدی دارد.

صحبت‌های من با واکنش‌های مختلفی مواجه خواهد شد، شاید عده‌ای فکر کنند که من از امل دفاع می‌کنم ولی واقعا این‌طور نیست. من وقایع لبنان را به روش خودم بیان می‌کنم. آیا می‌توانیم یکی را خائن و یکی را صالح بدانیم؟ نمی‌توانیم این حرف‌ها را بزنیم. سید حسن و نبیه بری در این سال‌ها آنقدر با هم کار کرده‌اند که دیگر خلق و خوی هم را گرفته‌اند.

■ اگر از این دو گانه خارج شویم و برگردیم، می‌بینیم کار و برنامه‌ریزی فرهنگی در دستور کار هر دو جناح شیعه لبنان است. حزب‌الله به صورت جدی در حوزه فرهنگ و رسانه برنامه‌ریزی کرده و برای اعضای خود، مردم لبنان، عرب‌زبان‌ها و مسلمانان تولید محتوای فکری و فرهنگی می‌کند. همچنین سعی کرده از ابزار روز بهره‌برد و به ملزومات رفتار سیاسی و فرهنگی در صحنه جغرافیای لبنان واقف باشد. اگر بخواهید شاخصه‌های فرهنگی امام موسی صدر را مبتنی بر بنیادهای فکری ایشان ترسیم کنید و به نماینده حزب‌الله پیشنهادی بدهید یا نقد و توصیه‌ای کنید، چه می‌گویید؟

امام موسی صدر که مؤسس مقاومت است، برای این کار یک استراتژی داشت و می‌گفت اگر هم جنگ نظامی ما با صهیونیست‌ها تمام شود، جنگ کلان ما با آنها هیچ‌وقت تمام نخواهد شد

حزب‌الله تشکیلاتی مشتق از امل است. امام موسی صدر که مؤسس مقاومت است، برای این کار یک استراتژی داشت و می‌گفت اگر هم جنگ نظامی ما با صهیونیست‌ها تمام شود، جنگ کلان ما با آنها هیچ‌وقت تمام نخواهد شد. چون صهیونیسم یک کیان است، فرهنگ، اقتصاد و سیاست دارد. در مقابل این جریان، ما هم باید یک کیان بسازیم و فکر نکنید اگر امروز صهیونیست‌ها از لبنان را بیرون کردیم، جنگ ما با این منظومه صهیونیستی پایان یافته است. کم‌اینکه رژیم صهیونیستی هنگامی که دست به توطئه و تجاوز زد فقط از راه نظامی نیامد؛ کشاورزی‌اش را آورد و تجهیزات و محصولات کشاورزی‌اش را به مصر برد. البته مصری‌ها استقبال چندانی نکردند اما بالاخره کالا و خدمات آنها باقیمت مناسب و کیفیت خوب آمد.

بنابراین نگاه امام موسی صدر این بود که مبادا ساده‌انگاری کنید و گمان کنید که صهیونیست‌ها را در جنگ نظامی شکست می‌دهیم و کار تمام است؛ این نگاه امام موسی صدر بود، در مقابل شبکه‌های صهیونیست که در دنیا زیاد هستند. حزب‌الله در حوزه لبنان که برد شبکه‌های صهیونیست بود، اکنون شبکه خودش را از نظر سیگنال و ارسال موج این قدر قوی کرده که در ۳۳ روز مردم سرزمین‌های اشغالی هم کانال خبری‌شان المنار بود. خیلی جالب است، المنار امروز می‌تواند یک جنگ روانی در سرزمین‌های اشغالی ایجاد کند و با اینکه دشمن صهیونیست‌هاست ولی آنها به اخبارش اطمینان دارند.

از طرف دیگر، سیدحسن جنگ الکترونیک را با صهیونیست‌ها آغاز کرد و این کار کمی نیست. جنگ الکترونیک یکی از قدرت‌های حزب‌الله است. در قضیه ترور حریری، حزب‌الله با قدرت هوشمند تکنولوژی الکترونیک خود مسیر هواپیماهای صهیونیست‌ها را گرفت. تمام تصاویر دوربین‌هایی را که در هواپیماها قرار داشتند و از لبنان عکاسی می‌کردند و برای صهیونیست‌ها

می‌فرستادند، بین راه و در مسیر ارسال و دریافت، گرفت، آنها را کپی کرد و بعد اجازه داد که برای صهیونیست‌ها ارسال شوند. این یک کار بی‌نظیر بود. از طرف دیگر، اگر چه رژیم صهیونیستی قطعاً نمی‌تواند همه دنیا را یهودی کند اما ساده‌انگاری نکنیم و نگوییم جنگ فرهنگی معنا ندارد. رژیم صهیونیستی چند عنصر در فرهنگ خود دارد که عبارت است از بی‌بندوباری، مصرف‌گرایی و رو آوردن به روش‌هایی در زندگی که بخشی از یک ملت را از پا در آورد. استراتژی این رژیم در این است که به هر شیوه‌ای که می‌تواند مردم کشورها را از طبیعت خود خارج و با مواد مخدر و مشروبات الکلی و... نابود کند. لبنان کشوری که یک عمر مواد مخدر در آن نبود، در خلال این ۳۰ سال کشتزار تریاک و حبشیش شد. در حالی که شهروند لبنانی طبعش به این چیزها گرایش ندارد. سید راهبرد فرهنگی - اجتماعی تعریف کرد و گفت من در مقابل همه اینها می‌ایستم. به نظر من منظومه‌ای که سید طراحی کرد، در مقابل منظومه‌ای که صهیونیست‌ها برای دفاع از خودشان و حمله به



دیگران و از هویت خارج کردن و ضعیف کردن ایشان ایجاد کردند، مقاومت کرده است. برای همین می‌گوییم مجتمع مقاومت، جامعه مقاومت یعنی همین. شما در ۳۳ روز صهیونیست‌ها را بیرون کردید، آیا جنگ تمام شد؟ حتی اگر صهیونیست‌ها قول بدهند که دیگر به لبنان حمله نکنند، مگر خطر آنها تمام می‌شود؟ بی‌هویت کردن جنوب لبنان یکی از خطرات است. رژیم صهیونیستی امروز حتی به دنبال آب جنوب لبنان است. برای اینکه جنگ‌های آینده دنیا بر سر آب است. خوب باید چه کرد؟ اکنون در لبنان نفت پیدا شده است؛ رژیم صهیونیستی به سرعت شروع کرده به استخراج، چون سفره مشترک است و احتمالا به طرق مختلف از بهره‌برداری لبنانی‌ها جلوگیری خواهند کرد. جامعه مقاومت یعنی اینکه یک شیعه در لبنان بتواند نفت را استخراج کند و به دنیا بفروشد. مقاومت ریشه‌ای همین چیزهاست. به نظر من این رویکرد، یعنی رویکرد جامعه مقاوم را سید طراحی کرده و اکنون در حال پیشرفت است و از همه هم کمک می‌گیرد. یکی از هم‌پیمانان میشل عون است؛ یک مسیحی نظامی ملی‌گرا. اما سید با او همکاری می‌کند.

■ در مورد شاخصه وحدت بین مذاهب در لبنان آنچه ما از دیدگاه‌های سیاسی و راهبردهای فرهنگی امام صدر سراغ داریم مبتنی بر تشدید این وحدت بوده است. حزب‌الله در این زمینه به چه شکل عمل کرده است؟ نمود حزب‌الله در این زمینه ممکن است کمتر باشد ولی شیعه تقسیم نقش کرده است. مجلس اعلا شیعه به عنوان قانونگذار شیعه با تمام طوایف و ادیان دیگر همزیستی، گفت‌وگو و همکاری می‌کند. قرار نیست همه، هر

کاری را که حزب‌الله می‌کند، انجام بدهند یا همه در کاری پیرو امل باشند. امام موسی صدر یک وجود شاملی داشت، هم باید می‌جنگید و هم باید همزیستی می‌کرد و هم باید گفت‌وگو و مذاکره می‌کرد ولی سیدحسن نصرالله آن قدر روابط بین‌المللی ندارد. آیا این ضعفش است؟ آیا در این حوزه قدرت ندارد؟ آیا این به این معناست که توانایی ندارد؟ قطعاً دارد، چون کسی که در حوزه‌های دیگر توانایی دارد در این زمینه هم توانایی دارد ولی شما تقسیم وظیفه می‌کنید چون دنیای امروز پیچیده شده و به سادگی دنیای قدیم نیست که یک نفر بتواند ۱۰ کار را همزمان انجام دهد. اکنون شیعه به تقسیم هوشمندانه‌ای رسیده و کارهای مذاکره‌اتی بین ادبانی و بین طوایفی را مجلس اعلا شیعه برعهده دارد، دیپلماسی و سیاست داخلی و دادوستد با ادیان را گروه‌های سیاسی انجام می‌دهد. از سوی دیگر دفاع از هویت، کیان، حریم و ناموس شیعه و لبنان و وظیفه حزب‌الله است. هیچ‌گاه تفکیک قوا به این خوبی در شیعه شکل نگرفته بود.

■ اگر بخواهید مبتنی بر میراث فکری امام موسی صدر و بر مبنای نگرش و سیریه فرهنگی ایشان، وضعیت امروز حزب‌الله را بررسی کنید، چه می‌گویید؟

این خیلی سخت است. چیزی که گفتم درباره حزب‌الله تا امروز است. آیا اگر زمان و مقتضیات زمان عوض شد، آهسته‌آهسته با یک دگردیسی هوشمندانه، تبدیل به فقط یک حرکت سیاسی می‌شود؟ در تحولات اجتماعی هیچ چیزی را نباید تغییر ناپذیر بدانیم. اصول تغییر ناپذیرند اما روش‌ها این‌طور نیستند. تازه فقه ما می‌گوید گاهی اصول هم تغییر پذیرند. یکی از چالش‌های درون حزب‌الله امروز همین است که آیا تحول و تغییر مجاز است یا باید همواره در قالب نظامی‌گری باقی بماند.

فکر می‌کنم یکی از چالش‌های سیدحسن در آینده نزدیک که از هم‌اکنون آغاز شده و تحولات سوره به آن را نشان می‌دهد، این است که حزب‌الله باید به فکر آینده خودش باشد. به نظرم افول کشورها و تمدن‌ها زمانی آغاز می‌شود که برای مشکلات امروز، پاسخ‌های درست دیروز را در نظر بگیرند. این یعنی به تحول اعتقاد نداشتن. شما امروز ممکن است مشکلی داشته باشید که پاسخی در مقابلش بگذارید و جواب بدهد و موفق هم بشوید اما اگر فردا همین مشکل را داشته باشید و اگر جواب درست امروز را در برابرش بگذارید، حتماً افول خودتان را آغاز کرده‌اید. معمولاً فرهنگ نظامی یا شبه‌نظامی این آسیب را دارد. از آن طرف حرکت سیاسی هم این آسیب را دارد که تحول لجام‌گسیخته باشد.

نکته دوم: حزب‌الله با آزمون و خطا تهذیب نفس کرده است. این‌طور نیست که اگر نگاه ما به حزب‌الله، یک نگاه مطلوب و محبوب است، بگوییم در ۱۰ سال گذشته هم این‌طور بوده است. به یقین آنها در گذشته اشتباهاتی داشته‌اند. این تهذیب‌نفس و تغییر مدیریت در کادر رهبری حزب، همه اینها نشان می‌دهد که حزب‌الله از آغاز این‌طور کامل نبوده است. طبیعی است آنها که قبل‌تر از حزب‌الله کارشان را شروع کرده‌اند، آزمون و خطا را زودتر سپری کرده‌اند. امل امروز با امل ۲۰ سال پیش فرق چندانی ندارد ولی حزب‌الله امروز خیلی متفاوت است. ■

گفت‌وگو با عبدالله قصیر، مدیر شبکه جهانی المنار

جایگاه استراتژیک رسانه در موفقیت‌های مقاومت

محمدجواد رحیمی | نمی‌شود از حزب الله، تشکیلات و موفقیت‌هایش گفت و سخنی از «المنار» به میان نیاورد. آنها که دستی بر آتش دارند یا پیگیر تحولات بین‌المللی یا منطقه‌ای هستند، می‌دانند که همیشه یک پای ثابت اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌ها در خصوص تحولات منطقه غرب آسیا به خصوص آنچه به محور مقاومت ضد صهیونیستی مربوط است، شبکه‌ای به نام المنار است که همه آن را به عنوان رسانه رسمی حزب الله لبنان می‌شناسند و مدیرانش هم دلیلی برای انکار آن نمی‌بینند. درباره المنار گفتنی بسیار است، بخشی از آنها را با مدیر قدیمی و با تجربه این شبکه ماهواره‌ای، عبدالله قصیر به گفت‌وگو نشستیم.

■ با توجه به تنوع قومی و مذهبی در لبنان، شما چگونه به مسائل مورد اختلاف می‌پردازید؟

ما ایستادگی در مقابل اشغالگری رژیم صهیونیستی را معیاری برای برخورد با گروه‌های مختلف می‌دانیم. در حالی که ملتزم به فضای آزاد گفت‌وگو و دعوت جریان‌ها به وحدت ملی هستیم و اعتقاد داریم همه اختلافات داخلی لبنان باید با گفت‌وگوی سازنده حل شوند، معتقدیم تنها دشمن لبنانی‌ها صهیونیسم است. اما اگر بخواهیم این را در برنامه‌های المنار به کار بگیریم، باید بگویم اخبار شبکه همه گروه‌های لبنانی را دربر می‌گیرد و به طور نسبی از همه دیدگاه‌ها دعوت می‌کنیم، البته اولویت و غلبه با جریان مقاومت و ائتلاف هشتم مارس است.

■ رسانه‌ها و به‌ویژه المنار چه نقشی در موفقیت‌های حزب الله در عرصه‌های مختلف داشته‌اند؟

شکی نیست که رسانه‌ها نقشی مهم و حیاتی در آشکار کردن و معرفی تجربه حزب الله دارند و توانسته‌اند پیروزی‌های بزرگش چه در عرصه مقاومت چه در دیگر زمینه‌ها همچون سیاست، اجتماع، فرهنگ و... را به روشنی بیان کنند. شبکه المنار نقش بارز و مهمی در این زمینه داشته است. به خصوص اینکه تلویزیون در مقایسه با دیگر رسانه‌ها مخاطبان بیشتری دارد. جهان عرب در آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و ایستادگی و پیروزی در جنگ تموز در سال ۲۰۰۶ دستاوردهای مقاومت را به صورت زنده از شبکه المنار مشاهده می‌کرد.

■ ابتدا ناریخچه‌ای مختصر از تأسیس شبکه المنار بگویید.

شبکه المنار در سال ۱۹۹۰ و هشت سال پس از تشکیل حزب الله در پاسخ به نیاز مقاومت برای داشتن رسانه در حالی که دشمنان در صدد تشویش و جبهه آن بودند، تأسیس شد و تا سال ۲۰۰۰ و آزادسازی جنوب لبنان به صورت زمینی فقط در لبنان پخش می‌شد. این شبکه طی ۱۰ سال ابتدایی کار خود، به پیشرفت و استفاده از تجربه‌هایش روی آورد و از سال ۲۰۰۰ پخش ماهواره‌ای را شروع کرد و توانست آزادسازی جنوب لبنان را پوشش کامل دهد. المنار شبکه مقاومت خوانده می‌شود زیرا بیانگر رویکرد حزب الله در مقاومت برابر اشغالگران صهیونیست و ایستادگی مقابل تجاوزگری است.

■ چه طیف‌هایی از جامعه لبنان مخاطب و گروه هدف شما هستند؟ آیا برای مخاطبان خارجی هم برنامه‌ریزی دارید؟

ما همه کسانی که به زبان عربی صحبت می‌کنند را مخاطب قرار می‌دهیم اما مخاطبان خاص ما، میهن پرستان، ملی‌گرایان و اسلام‌گرایانی هستند که به راه مقاومت و دشمنی با صهیونیسم اعتقاد دارند. اما در لبنان، لبنانی‌ها مخاطبان عام و شیعیان مخاطبان خاص شبکه به شمار می‌روند و ما آنچه از جهت رسانه‌ای احتیاج دارند به آنها عرضه می‌کنیم. همچنین سایت ما به چهار زبان عربی، انگلیسی، فرانسوی و اسپانیولی است و از طریق آن تلاش می‌کنیم برنامه‌هایی که شبکه المنار می‌سازد به اضافه بعضی مقالات و تحلیل‌ها را در اختیار غیر عرب‌زبان‌ها قرار دهیم.



۱ و ۲ در دو سال گذشته پربیننده‌ترین سریال در میان سریال‌هایی بودند که دیگر شبکه‌های لبنانی در ماه مبارک رمضان پخش کردند.

طبیعتاً هر رسانه‌ای جهت ادامه موفقیت‌هایش باید به طور مداوم برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کند. شما چه برنامه‌ای برای توسعه فعالیت‌هایتان در آینده دارید؟

از مهم‌ترین برنامه‌های آینده شبکه، ساخت سریال‌های بیشتر در خصوص مقاومت و تاریخ آن در لبنان و منطقه است. همچنین امیدواریم بتوانیم شبکه‌های تخصصی در موضوع‌های مختلف مانند کودکان، سریال، اخبار و... راه‌اندازی کنیم. در ضمن تلاش می‌کنیم ساختمان اصلی شبکه را که در سال ۲۰۰۶ توسط صهیونیست‌ها تخریب شد، بازسازی کنیم. همچنین برای دستیابی به دستاوردهای بیشتر در برنامه‌های مختلف شبکه و حفاظت از رتبه نخست سایت المنار در میان پایگاه‌های لبنانی و عربی در جهان تلاش می‌کنیم.

تاکنون چه اقداماتی از سوی دشمنان برای تعطیلی یا کم‌اثر کردن فعالیت‌های المنار صورت گرفته است؟

دشمن صهیونیستی از سال ۲۰۰۳ تلاش کرد تا به هر وسیله‌ای مانع پخش المنار در اروپا و آمریکا شود و توانست لابی‌هایی برای فشار به مراکز تصمیم‌گیری ایجاد کند تا اینکه در سال ۲۰۰۳ فرانسه تصمیم به قطع شبکه المنار از ماهواره‌های اروپایی گرفت، سپس در سال ۲۰۰۴ المنار از

ارزیابی‌ای از میزان اثرگذاری و تعداد مخاطبان المنار دارید؟ اکنون چه جایگاهی در میان رسانه‌های عرب‌زبان دارید؟

شبکه المنار دائماً با بینندگانش در ارتباط است و روزانه صدها نامه از آنها دریافت می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد و از طریق آن برای مارو شن می‌شود که میزان تأثیرپذیری از شبکه در کشورهای مغرب عربی یا مشرق عربی و کشورهای خلیج فارس زیاد است. همچنین در کشورهایی که مهاجران لبنانی در آنها زندگی می‌کنند مثل آمریکا و آمریکای جنوبی (لاتین) شبکه المنار از تأثیرگذاری زیادی برخوردار است. در نظر سنجی‌ها و مطالعات آماری مؤسسات حرفه‌ای و معروف، میزان بینندگان روزانه بیش از ۱۰ میلیون نفر برآورد شده است.

در خصوص پایگاه الکترونیکی شبکه المنار نیز در ابتدای سال ۲۰۱۳ توانستیم برای نخستین بار در رتبه اول در لبنان قرار بگیریم و در سطح جهانی نیز بین سایت‌های لبنانی اول شدیم. براساس نظر سنجی و مطالعات آماری متنوعی که صورت گرفته، شبکه المنار میان پنج شبکه اول عربی است، در بعضی از این کشورها در رتبه اول است و در کشورهای دیگر یکی از ۱۰ شبکه اول عربی محسوب می‌شود.

پربیننده‌ترین برنامه در شبکه شما کدام است؟

معمولاً اخبار و برنامه‌های سیاسی برنامه‌هایی هستند که بیشترین بیننده را دارند اما در ماه رمضان سریال‌هایی که المنار درباره مقاومت می‌سازد، پربیننده‌ترین برنامه‌ها در لبنان و جهان عرب است؛ مثلاً سریال الغالبون

سخنرانی‌های سیدحسین نصرالله که از المنار به طور زنده و اختصاصی پخش می‌شود، نقش ویژه‌ای در جنگ رسانه‌ای با دشمن صهیونیست دارد



کرده بودیم تنها برای حدود دو دقیقه برنامه‌های ما قطع شد که آن هم برای جابه‌جایی آنتن بود و همین سرعت باعث تعجب و عصبانیت دشمن شد و از سوی دیگر دوستان و هواداران مقاومت که صدای آن را بیش از هر جاز المنار می‌شنیدند، دقایقی را با ناراحتی و اندوه فراوان سپری کردند اما با برگشتن دوباره شبکه گویی جانی تازه گرفتند.

■ نقش شخص سیدحسین نصرالله در این نبرد تبلیغاتی و رسانه‌ای تا چه حد بوده است؟

سخنرانی‌های سیدحسین نصرالله که از المنار به طور زنده و اختصاصی پخش می‌شود، نقش ویژه‌ای در جنگ رسانه‌ای با دشمن صهیونیست دارد و کاریزما و صداقتی که سخنرانی‌های سید از آن بهره می‌برد، شکل‌دهنده اصلی جنگ روانی با دشمن است، همان‌طور که عامل اساسی در بالا بردن روحیه و اعتماد به نفس مردم و رزمندگان مقاومت است و همان‌گونه که می‌دانید در جنگ به روحیه نیروها به‌عنوان عامل اصلی در کسب نتیجه نگاه می‌کنند.

■ به مسائل روز بپردازیم، ارزیابی شما از نحوه فعالیت رسانه‌های همسو با محور مقاومت در جنگ علیه سوریه چیست؟

همه رسانه‌های حامی محور مقاومت، تلاش بسیاری در زمینه مسأله فلسطین و مقاومت ضد پروژه آمریکایی - صهیونیستی در منطقه از جمله جنگی که بیش از دو سال است علیه سوریه آغاز شده می‌کنند. برخی از این رسانه‌ها مثل شبکه العالم، المنار و شبکه‌های ایرانی و سوری رویکرد ویژه و پیشرفته‌ای دارند و به همین دلیل دشمنان تلاش می‌کنند از طریق ماهواره‌هایی که صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها بر آن سیطره دارند، مانع پخش آنها شوند. ■■■

سوی آمریکا در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گرفت. همه اینها به‌منابۀ چراغ سبز به رژیم صهیونیستی برای حمله جنگنده‌هایش به ساختمان شبکه و ایستگاه‌های مرتبط با آن و تجهیزات ارسال آن در هفت منطقه لبنان در سال ۲۰۰۶ و ویران کردن آنها شد اما با کمک خداوند متعال و اراده و همت کارکنان شبکه، المنار توانست در تمام مدت جنگ ۳۳ روزه به جز دو دقیقه به پوشش کامل جنگ بپردازد؛ موضوعی که باعث شد صهیونیست‌ها از طریق کشتی‌های جنگی روی سیگنال‌های شبکه پارازیت بیندازند اما این‌گونه هم نتوانستند المنار را از انجام وظیفه رسانه‌ای و حرفه‌ای خود بازدارند. اکنون حضور پر قدرت المنار چالشی بزرگ و پاسخ قاطعی به تلاش‌های صهیونیست‌ها برای بازایستادن این شبکه شده است.

در گزارش وینوگراد که درباره دلایل شکست رژیم صهیونیستی در ۱۴ آگوست ۲۰۰۶ است، ذکر شده که «شکست اسرائیل از حزب‌الله فقط نظامی نبود بلکه استمرار فعالیت المنار در طول جنگ ۳۳ روزه، شکست رسانه‌ای را نیز برای اسرائیل رقم زد.»



المنار توانست در تمام مدت جنگ ۳۳ روزه به جز دو دقیقه به پوشش کامل جنگ بپردازد؛ موضوعی که باعث شد صهیونیست‌ها از طریق کشتی‌های جنگی روی سیگنال‌های شبکه پارازیت بیندازند اما این‌گونه هم نتوانستند المنار را از انجام وظیفه رسانه‌ای و حرفه‌ای خود بازدارند

■ کمی بیشتر درباره فعالیت‌های تخریبی دشمن در جنگ ۳۳ روزه علیه المنار توضیح دهید.

بر اساس اعترافات دشمن، استمرار فعالیت المنار در طول جنگ و عملکرد ویژه‌اش در جنگ روانی در شکست مفتضحانه رژیم صهیونیستی موثر بوده است. بسیاری از مطالعات و تحقیقات بین‌المللی و آمریکایی درباره جنگ تموز، از نقش شبکه المنار و اهمیتش در بالا بردن روحیه و ایستادگی لبنانی‌ها و معتبر بودن اخبار و اطلاعات آن سخن می‌گوید. همان‌گونه که ضرب‌المثل معروف می‌گوید: «الفضل ما شهدت به الاعداء». همان‌طور که گفتیم در همان روزهای اول ساختمان شبکه به‌طور کامل تخریب شد اما با پیش‌بینی که از قبل کرده بودیم و امکاناتی که فراهم

نگاهی گذرا به مؤسسات فرهنگی، اجتماعی و خدماتی حزب الله لبنان

دولتی به نام حزب الله

آن زمان که گروهی اندک از سر کلاس درس دانشگاه و حوزه یا با تعطیل کردن بازار کسب و کار گردهم آمدند تا در مقابل دشمن قدراری که آب و خاکشان را اشغال کرده، قد علم کنند، کمتر کسی گمان می کرد روزی تشکیلاتشان چنان گسترشی پیدا کند که در جامعه متنوع و متکثر لبنان هر جا که گذر کنی، نامی یا نمودی از آن ببایی. امروز جنبش مقاومت اسلامی لبنان «حزب الله» با همه مؤسسات فرهنگی، آموزشی و خدماتی اش همچون یک دولت تمام عیار عمل می کند. در ادامه تلاش شده مروری اجمالی بر بخشی از این مؤسسات و گروهها داشته باشیم تا بیشتر به عمق آنچه گفته شد، پی ببرید.

محمد مهدی رحیمی

نخستین شعبه در جنوب لبنان آغاز کرد و در حال حاضر ۱۴ شعبه دارد؛ هفت شعبه در مناطق جنوبی، چهار شعبه در منطقه بقاع، دو شعبه در بیروت و یک شعبه در شهر مقدس قم - که برای فرزندان طلاب لبنانی ساکن این شهر راه اندازی شده - و در مقاطع مختلف تحصیلی هزاران دانش آموز را پوشش می دهند. تربیت بر اساس اصول اسلامی و تقویت روحیه ملی و دفاع از وطن از اهداف این مدارس است. بخشی از هزینه های این مدارس از سوی مراجع عظام تأمین می شود. همچنین خانواده شهدا در اولویت ثبت نام قرار دارند.

۱ شبکه تلویزیونی المنار



این شبکه در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد. در حالی که تمام تشکیلات آن در یک اتاق کوچک در منطقه ضاحیه (جنوب بیروت) جا شده بود. روزانه فقط شش ساعت برای اهالی همان محل برنامه پخش می کرد. فرستنده آن هم بر فراز مناره مسجد رسول اعظم (ص) ضاحیه نصب شده بود. به همین خاطر هم شد «المنار». اما به مرور المنار حوزه فعالیتش را گسترش داد؛ به طوری که از سال ۲۰۰۰ شبکه ای ۲۴ ساعته شد که در تمام نقاط دنیا قابل دسترسی است و در چند کشور دفتر رسمی و خبرنگار دارد.

۴ پایگاه خبری الانتقاد



این هفته نامه ابتدا تحت عنوان «العهد» در سال ۱۹۸۴ میلادی شروع به کار کرد و نخستین رسانه مکتوب در لبنان علیه اشغالگری صهیونیست ها بود. از سال ۲۰۰۱ نام آن به «الانتقاد» تغییر یافت و دایره توزیع آن از مرزهای لبنان فراتر رفت و حتی در داخل مناطق اشغالی نیز توزیع می شد. در حال حاضر این هفته نامه تبدیل به یک پایگاه خبری اینترنتی شده که اخبار منطقه و به خصوص محور مقاومت را به طور گسترده به سه زبان عربی، فرانسوی و انگلیسی پوشش می دهد.

۲ هیأت پشتیبانی از مقاومت



این مؤسسه از سال ۱۹۹۰ و با شعار «همه خانه هایمان برای مقاومت» شروع به کار کرد و هدف اصلی آن ترویج فرهنگ و روحیه مقاومت در میان همه اقشار جامعه به خصوص کودکان و نوجوانان است. از جمله وظایف مهم این هیأت، جمع آوری کمک های مادی مردمی جهت حمایت از مقاومت است و تلاش می شود همه اقشار جامعه را در این امر شریک کنند. به این منظور صندوق هایی به شکل قدس در امکان مختلف عمومی، مدارس، کارخانه ها و مؤسسات قرار گرفته است. همچنین افرادی به طور ماهانه مبالغ مشخصی به این هیأت کمک می کنند. برگزاری مسابقات، همایش ها و کنفرانس ها، چاپ سررسید و تقویم، ساخت سرود و کلیپ، راه اندازی پایگاه های اینترنتی و... از جمله فعالیت های «هیأت دعم المقاومة» است که همگی با محور مقاومت اسلامی تولید و ارائه می شوند.

۵ مؤسسه اسلامی بهداشت و درمان



این هیأت از سال ۱۹۸۴ شروع به کار کرده و در سال ۱۹۸۸ مجوز رسمی فعالیت خود را از وزارت کشور لبنان دریافت کرد. از جمله اهداف تأسیس این مؤسسه می توان به موارد زیر اشاره کرد: خدمت رسانی به محرومان و مستضعفان به خصوص کسانی که در مناطق دورافتاده و کم امکانات زندگی می کنند.

۳ مدارس المهدی (عج)



این مدارس زیر مجموعه مؤسسه تعلیم و تربیت اسلامی است که از سال ۱۹۹۳ فعالیت خود را با افتتاح

یکی دیگر از وظایف آن جمع آوری آثار و وصیتنامه شهدا و برگزاری مراسم یادبود و بزرگداشت است.

۷ گروه پیشاهنگی امام مهدی (عج)



«کشف امام مهدی (عج)» گروه پیشاهنگی حزب الله است که فعالیت‌های متنوعی را در برنامه خود دارد. اعضای این گروه پیشاهنگی را عمدتاً دانش آموزان مدارس المهدی (عج) تشکیل می‌دهند که در ایام تعطیل هفته با حضور در مراکز مربوطه آموزش‌های خاصی را دریافت کرده، همچنین در برنامه‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و خدمات‌رسانی شرکت می‌کنند. از جمله آموزش‌های ویژه این گروه آموزش‌های نظامی است که مقدمه ورود آنها به بخش نظامی حزب الله را فراهم می‌کند. در حال حاضر کشف المهدی نماینده کشف‌های لبنانی در اتحادیه جهانی پیشاهنگی است و تعداد اعضای آن برابر است با مجموع دیگر گروه‌های پیشاهنگی لبنانی.

۸ مؤسسه قرض الحسن



«مؤسسه قرض الحسن» در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد و در سال ۱۹۸۷ از وزارت کشور لبنان مجوز فعالیت رسمی گرفت. احیای سنت قرض الحسنه، کمک به افراد نیازمند و ترویج روحیه تعاون و همکاری از اهداف این مؤسسه است که با اموال افراد صاحب حساب و نیز افراد خیر سرمایه‌دار تأسیس شده است. تمامی تسهیلات مالی و وام‌های مؤسسه بدون بهره است. اگرچه در اثر جنگ ۳۳ روزه بیشتر شعب مؤسسه قرض الحسن منهدم شدند اما در همان سال بیش از ۳۰ هزار وام اعطا شد.

۹ رادیو النور



«اذاعة النور» فعالیت خود را از سال ۱۹۸۸ آغاز کرد و در مدت کوتاهی به موفقیت‌های بزرگ و شاخصی دست یافت. پوشش اخبار لبنان، مقابله نرم با رژیم صهیونیستی و زیر سؤال بردن مشروعیت آن، برگزاری مباحثه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی از جمله برنامه‌های این رادیو است. برنامه‌های مذهبی نیز جایگاه ویژه‌ای در این رادیو دارد. رادیو النور برنامه‌های ویژه‌ای نیز برای جوانان لبنانی دارد. گفتنی است در جنگ تموز (۳۳ روزه) ساختمان آن به طور کامل منهدم شد اما پخش برنامه‌هایش هرگز متوقف نشد.

۱۰ جمعیت خیریه اسلامی امداد



حمله رژیم صهیونیستی به لبنان مشکلات اقتصادی زیادی برای مردم این کشور به وجود آورد و بسیاری از



خدمات‌رسانی به جانبازان و خانواده‌های شهدا و مجروحان حضور در صحنه عملیات‌ها و ارائه خدمات اورژانسی کمک به دولت لبنان در ریشه کن کردن بیماری‌های واگیردار و تأمین سلامت عمومی جامعه در حال حاضر ۴۷ مرکز درمانی در لبنان شامل بیمارستان، درمانگاه و آزمایشگاه زیر نظر این مؤسسه مشغول به فعالیت هستند که پرسنل آنها از فعال‌ترین کادرهای پزشکی و درمانی در لبنان هستند.

۶ مؤسسه شهید



این مؤسسه فعالیت خود را از سال ۱۹۸۲ همزمان با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان آغاز کرد و از سال ۱۹۸۷ مجوز رسمی وزارت بهداشت لبنان را دریافت کرد. هدف از تأسیس این مؤسسه حمایت و خدمات‌رسانی به خانواده شهدا و اسرای حزب الله است. فراهم کردن امکانات درمانی، آموزشی، مسکن و... برای والدین، همسران و فرزندان شهدا و اسرا از اقدامات مؤسسه شهید است.

مردم کار یا امکانات زندگی خود را از دست دادند. این جمعیت در سال ۱۹۸۷ و با بالا گرفتن مشکلات اقتصادی در لبنان جهت خدمت‌رسانی به محرومان و ایتمام تأسیس شد. نکته مهم در فعالیت‌های این خیریه تحت پوشش قرار دادن همه مستضعفان بدون توجه به طائفه و مذهب آنان است. کمک‌های نقدی ماهانه، تأمین مسکن، خدمات پزشکی، تأمین مایحتاج زندگی، تأسیس مدارس برای ایتمام و برنامه‌های فرهنگی و تربیتی ویژه برای آنان و فراهم کردن زمینه ازدواج محرومان و ایتمام از جمله برنامه‌های جمعیت امداد است.



۱۱ جمعیت خیریه جانبازان

به موازات شروع به کار مقاومت اسلامی در لبنان، این جمعیت هم فعالیت خود را آغاز کرد و با گسترده‌تر کردن فعالیت‌هایش در سال ۱۹۹۲ موفق به اخذ مجوز رسمی از دولت لبنان شد. تأمین امکانات درمان و ارائه خدمات پزشکی به مجروحان جنگی از لحظه مجروحیت، اعطای دارو، ویلچر، دست و پای مصنوعی و... به آنها و فراهم کردن زمینه‌های شغلی و کاری از جمله خدمات این جمعیت به جانبازان و مجروحان لبنانی است. مراکز و مؤسسات وابسته به این جمعیت در سراسر لبنان گسترش داشته و تمامی مجروحان جنگی اعم از حاضران در میدان نبرد یا کسانی که به واسطه بمباران منازل و امکان عمومی مجروح شده‌اند، تحت پوشش آن قرار دارند.



۱۲ جمعیت معارف فرهنگی اسلامی

این جمعیت جهت پاسخگویی به نیازهای مذهبی و فرهنگی شیعیان و ارائه آموزش‌های دینی به آنان راه‌اندازی شده و مراکز متعددی در زیرمجموعه آن فعالیت می‌کنند. از جمله مرکز مطالعات اسلامی امام مهدی (عج) که در سال ۱۹۸۹ در بیروت تأسیس شد و هدف آن آموزش علوم اسلامی در سطوح مختلف و ارائه مدرک معتبر است. مؤسسه دیگر، مرکز فرهنگی امام خمینی (ره) است که در ضاحیه و در سال ۱۹۹۱ راه‌اندازی شد و در حال حاضر چندین شعبه در لبنان دارد. هدف این مرکز، نشر فرهنگ اسلامی، ترویج و ترجمه آثار امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و انقلاب اسلامی ایران و نیز انتشار کتاب است. همچنین این مؤسسه مجله «بقیة‌الله» را منتشر می‌کند که هدف آن معرفی و ترویج اندیشه‌های اصیل و ناب اسلامی است.



۱۳ مؤسسه جهاد سازندگی

از سال ۱۹۸۸ مؤسسه جهاد سازندگی در لبنان فعالیت خود را آغاز کرد و تاکنون منشأ برکات زیادی برای مردم

بوده است. حوزه فعالیت این مؤسسه بسیار گسترده است و در زمینه‌های فنی، عمرانی، کشاورزی، آبخیزداری، دامپروری و... فعالیت می‌کند. برای نیل به این اهداف، مؤسسه اقدام به جذب نیرو و ارائه آموزش‌های ویژه در رشته‌های مختلف می‌کند.

همچنین بخشی از آموزش‌های فنی در مدارس المهدی (عج) زیر نظر این مؤسسه انجام می‌پذیرد. ساخت مسجد، بیمارستان، درمانگاه و مدرسه، تعمیر و بازسازی اماکن ویران شده در اثر حمله صهیونیست‌ها، صحرانوردی، کشاورزی، اصلاح بذر و سمپاشی، پرورش ماهی و زنبور عسل، آبرسانی و برق‌رسانی به مناطق محروم و احداث مراکز تفریحی و کاشت گل و درخت در معابر شهری، بخشی از فعالیت‌های مؤسسه جهاد البناست. این مؤسسه ماهنامه‌ای با عنوان «همه با هم» را منتشر می‌کند. همچنین هر سال نمایشگاه بزرگی از فعالیت‌ها و اقدامات خود برای بازدید عموم دایر می‌کند.



۱۴ مؤسسه وعد

این مؤسسه با هدف بازسازی و ترمیم اماکن و ساختمان‌های تخریب شده ضاحیه جنوبی بیروت تأسیس شده و از زمان تأسیس خود فعالیت‌های بسیار زیادی را به سرعت انجام داده است.

شعار آن «زیباتر از قبل می‌سازیمت» است. این مؤسسه از فردای پایان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ به سرعت فعالیت خود را آغاز کرد و در مدت حدود یک سال موفق شد عمده ساختمان‌های مسکونی، اداری و آموزشی ضاحیه را بازسازی کند؛ امری که مورد توجه و تعجب همه کارشناسان قرار گرفت. مؤسسه وعد زیرمجموعه مؤسسه جهاد سازندگی است.



۱۵ مؤسسه رسالات

این مؤسسه اگرچه به نسبت دیگر مجموعه‌های پیش‌گفته عمر کوتاه‌تری دارد اما در همین مدت، منشأ اقدامات متفاوت، متنوع و ماندگاری شده است. رسالات با هدف گسترش فرهنگ مقاومت با ابزار هنر و ثبت و نگهداری دستاوردهای آن تأسیس شده است. فعالیت در حوزه‌های ساخت فیلم کوتاه و بلند، مستند، تئاتر، عکاسی، نقاشی، موسیقی، داستان و... زمینه کاری این مؤسسه را شکل می‌دهد. مجموعه فیلم کوتاه سیاه و سفید، فیلم سینمایی ۳۳ روزه و... و مجموعه کتاب‌های داستان قلم الرصاص که در سال ۸۹ جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی را دریافت کرد، از جمله محصولات رسالات هستند. یکی از اولویت‌های این مؤسسه، تربیت هنرمند متخصص در هر یک از زمینه‌های فوق به کمک استادان داخلی و خارجی است. برگزاری نمایشگاه‌های هنری، جشنواره‌های سینمایی و... از دیگر فعالیت‌های رسالات است.